بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حضور در هنگام جد 1](#_Toc425932960)

[مرور بحث سابق 1](#_Toc425932961)

[مرور اقتضای روایات 2](#_Toc425932962)

[مبنای وحدت در طایفه 2](#_Toc425932963)

[مراد از مؤمنین در آیه 2](#_Toc425932964)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc425932965)

[قرینه بر معنای خاص ایمان 3](#_Toc425932966)

[پاسخ قرینه فوق 3](#_Toc425932967)

[قرینه ای برای معنای خاص 3](#_Toc425932968)

[اختصاص آیه به باب زنا 3](#_Toc425932969)

[شرط حضور با وجود آزردگی مجرم 4](#_Toc425932970)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc425932971)

[فرض عدم حضور شاهد 4](#_Toc425932972)

[وجوب اعلان 4](#_Toc425932973)

[مستند وجوب اعلام 4](#_Toc425932974)

# حضور در هنگام جد

# مرور بحث سابق

این بحث مطرح شد که آیا حضور دیگران در هنگام اجرای حد لزوم دارد یا مستحب است؟

گفته شد که در این زمینه دو قول وجود دارد، مشهور قائل به وجوب و برخی نیز قائل به استحباب شده‌اند. مستند وجوب حضور، آیه شریفه سوره نور بود و در آنجا این بحث مطرح شد که مراد از طایفه چیست؟ اقوالی درزمینهٔ اطلاقات آن ذکر شد و در میان عامه و خاصه تفاوت‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد. نتیجه‌ای که در آنجا گرفته شد، این بود که؛ اگر طایفه حمل بر معنای لغوی شود، حداقل حضور سه نفر امری ضروری است.

# مرور اقتضای روایات

اما در روایات همان‌طور که مشاهده شد، دلیل معتبر خاصی وجود دارد که؛ حتی یک نفر را نیز شامل می‌شود. مستند مربوط بیان شد. آن روایت در جلد هیجده، ابواب حدود زنا، حدیث پنجم و صفحه سیصد و هفتاد بود که فرموده شده بود؛

**«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یحْیی عَنْ غِیاثِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ ع عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لا تَأْخُذْکمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِی دِینِ اللّهِ قَالَ فِی إِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ لْیشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ الطَّائِفَةُ وَاحِدٌ وَ قَالَ لَا یسْتَحْلَفُ صَاحِبُ الْحَدِّ.»[[1]](#footnote-1)**

دلالت در اینجا کاملاً صریح بوده است و بیان شد که اقتضای لغت با اقتضای روایت فوق تنافی‌ای نداشته و می‌توان معنای لغوی را از باب مجاز حمل بر وحدت نماییم. به همین مضمون در مستدرک نیز روایاتی وجود دارد که سند آن‌ها چندان معتبر نیست.

## مبنای وحدت در طایفه

عده‌ای تلاش داشتند که این را ثابت کنند حقیقت در طایفه همان وحدت است، لکن ما آن را نپذیرفتیم، از طرفی دیگر نیز افرادی از عامه می‌گویند: طایفه واحد را شامل نمی‌شود که آن نیز موردقبول واقع نشد.

### مراد از مؤمنین در آیه

در اصطلاح قرآن کریم گاهی ایمان به معنای اسلام به نحوی عام است و گاهی نیز ایمان خاص را در برمی‌گیرد، با تعاریفی که هریک از این دو برای خوددارند. البته در روایات اصطلاح سومی نیز وجود دارد که منظور از مؤمن شیعه است، در اینجا کدام‌یک از احتمالات مورد تأیید است؟

### اتخاذ مبنا

بعید نیست که در اینجا مراد از مؤمن به معنای مطلق آن باشد. یعنی لازم است در اینجا افرادی باایمان در مقابل کافر حاضر باشند، پس حضور کفار درصحنه اجرای حد کفایت نخواهد کرد. دلیل این مبنا می‌تواند اولاً این باشد که تکالیف مشترک است بین مسلم، مؤمن و ...لذا هر جا تکلیفی ذکر شود معنای عام آن اخذ می‌شود. یا بتوان القای خصوصیت کرد، لکن در حقیقت این احتمال در اینجا موردقبول نیست.

در اینجا قرینه لازم همچون برخی آیات دیگر برای حمل ایمان بر معنای عام خود وجود ندارد.

### قرینه بر معنای خاص ایمان

قرینه دیگری که می‌توان در اینجا برای معنای عام از ایمان آورد، این است که تشخیص آن نوع از ایمان به‌مراتب دشوار است و نمی‌توان به سهولت به صحت حضور افراد لازم در حین اجرای حد پی برد.

### پاسخ قرینه فوق

البته قرینه بیان‌شده برای اخذ معنای عام از ایمان در اینجا، مورد خدشه چراکه؛

منظور از مؤمن در آیه فردی است که پایبند عقاید و اصول شریعت باشد، نه به آن معنای خاص که دشواری خاصی در تشخیص وجود داشته باشد، لذا قرائن برای احتمال اول چندان جایی نداشته است.

### قرینه‌ای برای معنای خاص

علاوه بر آن در نقطه مقابل می‌توان قرینه‌ای برای معنای خاص ذکر نمود که؛

در سیره امیرالمؤمنین (ع) وجود دارد افرادی که سابقاً گناهکار بوده و بعدازآن توبه کرده بودند را برمی‌گرداندند. پس مراد در آیه می‌تواند کسانی باشد که مقید به اصول دینی، واجبات و محرمات هستند. و آن امر در رفتارها و برخوردهای افراد تا حدود قابل‌توجهی قابل‌تشخیص است و ازاین‌جهت جای استبعادی وجود ندارد.

#### اختصاص آیه به باب زنا

همان‌گونه که در آیه سوره نور نیز تصریح‌شده است، مراد حد زنا است و با تعبیر زانی آیه شروع می‌شود. لکن این مانعی برای بحث و تسری آن به سایر حدود نخواهد بود چراکه معمولاً در این جایگاه القای خصوصیت شده و بحث را به سایر حدود تسری می‌دهند.

پس مشمولین آیه همه‌کسانی هستند که حد بر آن‌ها جاری می‌شود و انحصاری در حد زنا ندارد.

#### شرط حضور باوجود آزردگی مجرم

گاهی است که حضور افراد برای تماشای حد موجب آزردگی مجرم خواهد شد، اسباب ناراحتی او را فراهم خواهد کرد و فرد رضایتی برای این تماشا ندارد، در این‌گونه موارد حکم در قبال شاهدان جهت تماشای حد چیست؟ آیا آیه از اطلاق خود منصرف خواهد شد یا حکم دیگری وجود دارد؟

#### اتخاذ مبنا

بعید نیست که در این‌گونه موارد حکم به عدم وجوب و استحباب و حتی عدم اباحه داده شود. به‌عبارتی‌دیگر این آزردگی موجب خواهد شد جواز شرعی تماشا صادر نشود. البته ظهور بیشتر این حکم در مواردی است که گناه حد خفیفی داشته باشد و مانند زنا و حدود دیگر که از غلظت برخوردارند، نباشد.

#### فرض عدم حضور شاهد

همان‌طور که سابقاً نیز اشاره شد وجوب در اینجا، وجوب کفایی است، لذا اگر یک نفر نیز حاضر شود از ذمه دیگران ساقط می‌شود نکته دوم در این فرض این است که امر به حضور در آیه شریفه ملازم با شرطیت حضور جهت اجرای حد نیست، یعنی این‌گونه نیست که اگر یک نفر نیز حاضر نبود حد تعطیل گردد، بلکه حد چنانچه مکرراً بیان شد، به نحو وحدت وجوب است و خود فی‌نفسه موردنظر شارع بوده است. پس حد تکلیفی و حضور نیز تکلیفی در کنار آن است.

#### وجوب اعلان

آیا بر حاکم واجب است که اعلام کند یا خیر؟

عده‌ای معتقد هستند که اعلام واجب است و قولشان مستند به روایتی است که در باب سی‌ویک از ابواب مقدمات حدود، جلد هیجده، صفحه سیصد و چهل‌ویک نقل‌شده است.

#### مستند وجوب اعلام

در این روایت فرموده شده است؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ یعْقُوبَ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِی بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مِیثَمٍ أَوْ صَالِحِ بْنِ مِیثَمٍ عَنْ أَبِیهِ أَنَّ امْرَأَةً أَقَرَّتْ عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع بِالزِّنَا أَرْبَعَ مَرَّاتٍ- فَأَمَرَ قَنْبَرَ فَنَادَی بِالنَّاسِ فَاجْتَمَعُوا- وَ قَامَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیهِ- ثُمَّ قَالَ أَیهَا النَّاسُ إِنَّ إِمَامَکمْ- خَارِجٌ بِهَذِهِ الْمَرْأَةِ إِلَی هَذَا الظَّهْرِ- لِیقِیمَ عَلَیهَا الْحَدَّ انشاءالله- فَعَزَمَ عَلَیکمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ لَمَّا خَرَجْتُمْ- وَ أَنْتُمْ مُتَنَکرُونَ وَ مَعَکمْ أَحْجَارُکمْ- لَا یتَعَرَّفُ مِنْکمْ أَحَدٌ إِلَی أَحَدٍ- فَانْصَرِفُوا إِلَی مَنَازِلِکمْ انشاءالله- قَالَ ثُمَّ نَزَلَ فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ بُکرَةً- خَرَجَ بِالْمَرْأَةِ وَ خَرَجَ النَّاسُ مَعَهُ مُتَنَکرِینَ- مُتَلَثِّمِینَ بِعَمَائِمِهِمْ وَ بِأَرْدِیتِهِمْ- وَ الْحِجَارَةُ فِی أَرْدِیتِهِمْ وَ فِی أَکمَامِهِمْ- حَتَّی انْتَهَی بِهَا وَ النَّاسُ مَعَهُ إِلَی الظَّهْرِ بِالْکوفَةِ- فَأَمَرَ أَنْ یحْفَرَ لَهَا حَفِیرَةٌ ثُمَّ دفن‌ها فی‌ها- ثُمَّ رَکبَ بَغْلَتَهُ وَ أَثْبَتَ رِجْلَهُ فِی غَرْزِ الرَّکبِ- ثُمَّ وَضَعَ إِصْبَعَیهِ السَّبَّابَتَینِ فِی أُذُنَیهِ- وَ نَادَی بِأَعْلَی صَوْتِهِ أَیهَا النَّاسُ- إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَی نَبِیهِ ص عَهْداً عَهِدَهُ مُحَمَّدٌ ص إِلَی- بِأَنَّهُ لَا یقِیمُ الْحَدَّ مَنْ لِلَّهِ عَلَیهِ حَدٌّ- فَمَنْ کانَ لِلَّهِ عَلَیهِ مِثْلُ مَا لَهُ عَلَیهَا- فَلَا یقِیمُ عَلَیهَا الْحَدَّ- قَالَ فَانْصَرَفَ النَّاسُ یوْمَئِذٍ کلُّهُمْ- مَا خلأ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَینَ ع- فَأَقَامَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ عَلَیهَا الْحَدَّ یوْمَئِذٍ- وَ مَا مَعَهُمْ غَیرُهُمْ قَالَ- وَ انْصَرَفَ یوْمَئِذٍ فِیمَنِ انْصَرَفَ مُحَمَّدُ بْنُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع» [[2]](#footnote-2)**

حضرت به قنبر امر کرد که در ملأعام به مردم اطلاع بدهد در فلان روز حضور پیدا کنند.

مستند دوم

در مستند دوم نیز این‌گونه واردشده است؛

حضرت خطاب به اصحابشان که در آنجا جمع بودند، فرمود: فردا برای اجرای حد حضور پیدا کنند. روایات دیگری که در این باب سابقاً ذکرشده نیز، بر همین منوال است و مؤید حضور می‌باشند.

البته این استدلالات مورد خدشه قرارگرفته که انشاءالله در جلسه بعد مطرح خواهد شد.

1. - تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 150. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 53. [↑](#footnote-ref-2)